

حرص امپریالیستی بر انرژی

نیکلاس مادورو مدت‌ها استدلال می‌کرد که رنج ونزوئلا و مبارزه فلسطین، فجایع جداگانه‌ای نیستند، بلکه تجلی همان جرم جهانی هستند: سلطه امپریالیستی که توسط گرسنگی سیری‌ناپذیر برای انرژی هدایت می‌شود. مادورو در سخنرانی پس از سخنرانی، آنچه را که به عنوان سرنوشت مشترک تحمیل‌شده توسط تجاوز حمایت‌شده از سوی آمریکا توصیف می‌کرد، محکوم کرد — سرنوشتی که در آن ملت‌های مستقل از خودمختاری سلب می‌شوند، تحت محاصره قرار می‌گیرند و به دلیل داشتن منابعی که قدرت‌های جهانی طمع دارند، مجازات می‌شوند. تاریخ اکنون هشدار او را تأیید کرده است. ونزوئلا و فلسطین به عنوان قربانیان موازی پیگیری غارتگرانه آمریکا برای سوخت‌های فسیلی — نفت، گاز و کنترل انرژی به هر قیمتی — ایستاده‌اند.

ونزوئلا و فلسطین: جبهه مشترک ضد امپریالیستی

همسویی ونزوئلا با فلسطین نه نمایش تئاتری دیپلماتیک بود و نه فرصت‌طلبی. این ستون اساسی چاوایسم بود که از هوگو چاوز به ارث رسیده و تحت مادورو حفظ شده است. از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۳، مادورو به طور مداوم اشغال فلسطین را جدایی‌ناپذیر از محاصره خود ونزوئلا تحت تحریم‌ها و اجبار توصیف کرد. ونزوئلا روابط دیپلماتیک با اسرائیل را در سال ۲۰۰۹ قطع کرد، کمک‌های بشردوستانه در بحران‌های مکرر غزه ارسال کرد و اقدامات اسرائیل را به عنوان جنایاتی توصیف کرد که توسط قدرت آمریکا ممکن شده است.

مادورو بارها غزه را آزمایشگاه مجازات جمعی توصیف کرد — که به نظر او، با خفه‌سازی اقتصادی تحمیل‌شده بر ونزوئلا از طریق تحریم‌های آمریکا آینه‌سازی شده بود. او واشنگتن و متحدانش را متهم کرد که “نسل‌کشی” در غزه را ممکن می‌سازند در حالی که “تروریسم اقتصادی” علیه کاراکاس به راه می‌اندازند. در سخنرانی سال ۲۰۲۴، او مبارزه فلسطین را “مقدس‌ترین علت بشریت” اعلام کرد و آن را صریحاً به مقاومت ونزوئلا در برابر تلاش‌های آمریکا برای تصاحب ثروت نفتی‌اش پیوند زد.

این هشدارها توسط منتقدان به عنوان ژست ایدئولوژیک رد می‌شدند. با این حال، رویدادهای بعدی آنها را به طور وحشتناکی پیش‌بینی‌کننده کرده است. مادورو استدلال می‌کرد که ملت‌های غنی از منابع نه تنها تحت فشار قرار می‌گیرند، بلکه هدف قرار می‌گیرند — از طریق تحریم‌ها، درگیری‌های نیابتی و نیروی مستقیم — تا زمانی که رژیم‌های مطیع نصب شوند. در فلسطین، او به محاصره غزه توسط اسرائیل به عنوان استراتژی عمدی برای انکار کنترل فلسطینی‌ها بر منابع طبیعی خود، از جمله میدان گازی دریایی غزه، اشاره کرد. در ونزوئلا، همان منطق برای نفت اعمال می‌شد. با توجه به اینکه سوخت‌های فسیلی علی‌رغم لفاظی انتقال انرژی همچنان مرکزی برای قدرت ژئوپلیتیک هستند، مداخله‌گرایی آمریکا شدت گرفته و تحلیل مادورو را به واقعیت زنده تبدیل کرده است.

ونزوئلا: مجازات‌شده برای حفاظت از نفت خود

ثروت طبیعی عظیم ونزوئلا مدت‌هاست که آن را برای غارت خارجی علامت‌گذاری کرده است. با بیش از ۳۰۰ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت — بزرگترین در جهان — که عمدتاً در کمر بند اورینوکو متمرکز است، این کشور جایزه‌ای بیش از حد ارزشمند برای قدرت‌های گرسنه انرژی است تا نادیده بگیرند. تحت مادورو، شرکت نفت دولتی PDVSA در برابر سلطه شرکت‌های آمریکایی مقاومت کرد و در عوض با روسیه، چین و ایران برای توسعه پروژه‌هایی مانند کارابوبو و جونین شریک شد.

پاسخ، جنگ اقتصادی بود. از سال ۲۰۱۷، تحریم‌های آمریکا به طور سیستماتیک اقتصاد ونزوئلا را فلج کرد و تولید نفت را از حدود ۲.۵ میلیون بشکه در روز به کمتر از یک میلیون کاهش داد. مادورو به طور مداوم این تحریم‌ها را نه به عنوان ابزارهای ترویج دموکراسی، بلکه به عنوان instruments دزدی توصیف کرد — طراحی‌شده برای مجبور کردن ونزوئلا به تسلیم و باز کردن میدان‌های نفتی‌اش به کنترل آمریکا.

این هدف در ۵ ژانویه ۲۰۲۶ آشکار شد، زمانی که حملات نظامی آمریکا به کاراکاس اصابت کرد و نیکلاس مادورو اسیر شد. رئیس‌جمهور ترامپ این عملیات را به عنوان کمپینی علیه “نارکو-تروریسم” توجیه کرد، اما کلمات خودش هر توهمی را برداشت. ترامپ در مار-آ-لاگو سخنرانی کرد و اعلام کرد: “ما کشور را اداره خواهیم کرد تا زمانی که بتوانیم انتقال امن، مناسب و قضایی انجام دهیم.” او تأکید کرد که اداره آمریکا از ونزوئلا “حتی یک پنی برای ما هزینه نخواهد داشت”، زیرا درآمدهای نفتی — “پولی که از زمین بیرون می‌آید” — تلاش‌های آمریکایی را جبران خواهد کرد.

این یک استثنا نبود. این از یک اسکریپت امپریالیستی آشنا پیروی می‌کرد، که به عراق و لیبی اشاره دارد، جایی که تغییر رژیم راه را برای دسترسی انرژی هموار کرد. برکناری مادورو، که به طور بین‌المللی به عنوان عمل تجاوز محکوم شد، آنچه را که او سال‌ها هشدار می‌داد تأیید کرد: نفت ونزوئلا آن را هدف قرار داد. تمرکز بی‌معذرت ترامپ بر استخراج منابع، مداخله را برای آنچه بود افشا کرد — غارت انرژی که به عنوان سیاست امنیتی مبدل شده بود.

دریایی غزه: آینده دزدیده‌شده فلسطین

تجربه فلسطین از همان منطق پیروی می‌کند. در سال ۲۰۰۰، میدان گازی دریایی غزه حدود ۳۶ کیلومتری ساحل کشف شد و حاوی تخمینی یک تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی بود. در حالی که نسبت به استانداردهای جهانی modest است، این میدان یک lifeline برای استقلال انرژی فلسطین نمایندگی می‌کند. واقع در مناطق دریایی فلسطین تحت UNCLOS، دریایی غزه باید اقتصاد غزه را تحول می‌بخشید.

در عوض، توسعه خفه شد. محدودیت‌های اسرائیلی، کنترل نظامی و اشغال مداوم، فلسطینی‌ها را از دسترسی به منابع خود جلوگیری کرد. حامیان استدلال می‌کنند که محاصره اسرائیل و کمپین‌های نظامی مکرر — حمایت دیپلماتیک و نظامی از سوی ایالات متحده — نه تنها اهداف امنیتی، بلکه اقتصادی را خدمت می‌کنند: انکار حاکمیت فلسطینی‌ها بر ثروت طبیعی‌شان.

از زمان جنگ اکتبر ۲۰۲۳، این نگرانی‌ها شدت گرفته است. اتهامات افزایش یافته که جابه‌جایی انبوه در غزه می‌تواند بهره‌برداری اسرائیل از دریایی غزه را تسهیل کند و آن را در شبکه‌های انرژی منطقه‌ای با حمایت آمریکا ادغام کند. صدور مجوزهای اکتشاف اسرائیل در آب‌های مجاور در سال ۲۰۲۳، همراه با معامله صادرات گاز ۳۵ میلیارد دلاری با مصر، ادعاهای دزدی عمده منابع را برانگیخته است. در سراسر این فرآیند، آمریکا اسرائیل را دیپلماتیک پناه داد، قطعنامه‌های سازمان ملل را وتو کرد و امنیت انرژی در حوضه لوانت را بر حقوق فلسطینی‌ها اولویت داد.

موازی با ونزوئلا غیرقابل انکار است. در هر دو مورد، تحریم‌ها، محاصره‌ها و نیروی، جمعیت‌های محلی را از بهره‌مندی از منابع خود جلوگیری می‌کنند، در حالی که قدرت‌های خارجی خود را برای سود موقعیت می‌دهند.

قانون شکسته شده

مداخله آمریکا در ونزوئلا و اظهارات خود ترامپ عواقب قانونی جدی تحت قوانین بین‌المللی و داخلی ایجاد می‌کند.

ونزوئلا تحت اشغال

با اعلام آشکار اینکه آمریکا ونزوئلا را در دوره انتقالی “اداره” خواهد کرد، ترامپ شرایط قانونی اشغال را برقرار کرد. تحت ماده ۴۲ مقررات لاهه ۱۹۰۷، اشغال زمانی وجود دارد که **territory** تحت اقتدار ارتش متخاصم قرار گیرد که کنترل مؤثر اعمال می‌کند. عملیات ۵ ژانویه ۲۰۲۶ — ترکیب حملات نظامی با برکناری اجباری رئیس دولت ونزوئلا — این تعریف را برآورده می‌کند و تعهدات تحت کنوانسیون‌های ژنو را فعال می‌کند.

قانون بین‌المللی صریح است: قدرت اشغال‌کننده نمی‌تواند منابع طبیعی را برای منافع خود بهره‌برداری کند. ماده ۵۵ مقررات لاهه، اشغال‌کننده را به **usufruct** — اداره موقت بدون تخلیه منابع غیرقابل تجدید — محدود می‌کند. ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو صریحاً غارت را ممنوع می‌کند و چنین بهره‌برداری را به عنوان جنایت جنگی تحت اساسنامه رم طبقه‌بندی می‌کند. وعده‌های ترامپ مبنی بر اینکه شرکت‌های نفتی آمریکا از نفت ونزوئلا سود خواهند برد و درآمدها هزینه‌های آمریکا را جبران خواهند کرد، قصد روشن برای نقض این ممنوعیت‌ها را نشان می‌دهد.

ربودن رئیس دولت

اسارت نیکلاس مادورو این نقض‌ها را تشدید می‌کند. قانون عرفی بین‌المللی، تأییدشده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده حکم بازداشت (۲۰۰۲)، مصونیت مطلق رؤسای دولت نشسته از **jurisdiction** کیفری خارجی را اعطا می‌کند. برکناری اجباری مادورو بدون رضایت یا استرداد، ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل را نقض می‌کند که استفاده از نیروی علیه حاکمیت یک دولت را ممنوع می‌کند. کارشناسان حقوقی هشدار می‌دهند که این عمل مسئولیت دولت، غرامت و بررسی تحت دیوان کیفری بین‌المللی را دعوت می‌کند، در حالی که سابقه‌ای ایجاد می‌کند که **norms** دیپلماتیک را در سطح جهانی فرسایش می‌دهد.

قانون آمریکا نادیده گرفته شده

در داخل، مداخله با قطعنامه اختیارات جنگی ۱۹۷۳ برخورد می‌کند. رئیس‌جمهور می‌تواند نیروهای آمریکایی را تنها با مجوز کنگره یا در پاسخ به وضعیت اضطراری ملی ناشی از حمله به ایالات متحده وارد خصومت کند. توجیه “نارکو-تروریسم” ترامپ این استاندارد را برآورده نمی‌کند. هیچ حمله مسلحانه قریب‌الوقوعی وجود نداشت. بنابراین عملیات آغاز غیرقانونی خصومت بود که کنگره را دور زد و جنجال‌های مداخلات قبلی مانند لیبی در ۲۰۱۱ را تکرار کرد.

فلسطین و ونزوئلا: همان جرم، نام‌های متفاوت

این نقض‌ها آینه بهره‌برداری طولانی‌مدت اسرائیل از منابع فلسطینی است. در کرانه باختری، اسرائیل تخمینی ۸۰ درصد آب آبخوان مشترک را برای شهرک‌ها و استفاده داخلی منحرف می‌کند و دسترسی فلسطینی‌ها را شدیداً محدود می‌کند —

نقض دیگری از قانون اشغال. در غزه، مانع اسرائیل از کنترل فلسطینی بر گاز طبیعی، همراه با معامله صادرات ۳۵ میلیارد دلاری اش با مصر که در دسامبر ۲۰۲۵ امضا شد، سلطه اقتصادی را تثبیت می‌کند در حالی که فلسطینی‌ها محروم می‌مانند. همانند ونزوئلا، اشغال نه تنها برای امنیت، بلکه برای سود ادامه دارد.

نتیجه‌گیری

پیوند مادورو بین ونزوئلا و فلسطین نه اغراق بود و نه پروپاگاندا — تشخیص بود. هر دو جامعه، که با سوخت‌های فسیلی ارزشمند endowed شده‌اند، برای ادعای حاکمیت مجازات شده‌اند. هر دو با محاصره‌ها، تحریم‌ها و نیروی نظامی مواجه شده‌اند که طراحی شده برای شکستن مقاومت و تسهیل استخراج منابع هستند. تا زمانی که نفت و گاز پایه قدرت جهانی باشند، حرص امپریالیستی به عنوان مداخله بشردوستانه مبدل خواهد شد.

عدالت بیش از لفاظی می‌طلبد. آن پایان اشغال‌ها، بازگرداندن حاکمیت منابع و مقابله با امپریالیسم انرژی که درگیری مدرن را هدایت می‌کند، را نیازمند است. مادورو ممکن است سکوت شده باشد، اما حقیقتی که او بیان کرد پایدار است — و مبارزه مشترکی که او نام‌گذاری کرد نیز همین‌طور.